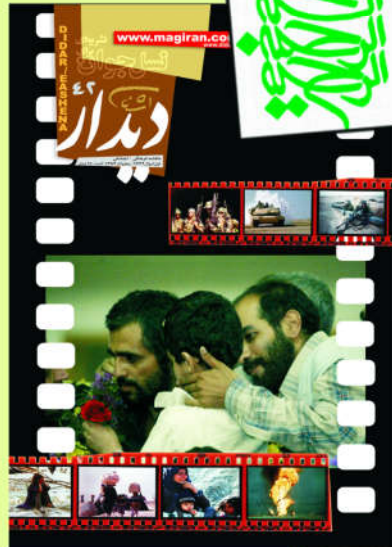




باران می بارد... سیده فروغ افتخاری

باران می بارد. قطره‌های باران با گونه‌های زمین برخورد می‌کنند و کم کم با یکدیگر جمع می‌شوند و در بستر رودها جاری می‌گردند. باران می‌بارد تا چشم‌های هیچ کشاورزی از نگرانی پر نشود. باران می‌بارد تا هیچ جوانه سبز و لطیفی تشنه نماند و آلودگی‌های هوار ایشوید و با خود ببرد. تا برگ‌های همه درختان نشاط بهاری را در رگ‌های خود حس کنند. زمین سیراب شود. تا چاه‌ها پرگردند. تا گندم زارها سر سبز شوند. تا درختان شکوفه دهند. تا باغ‌ها ثمر دهند. تا زمین‌های کشاورزی سرشار از محصول باشند. تا آب جیره بندی نشود و هر کس بتواند مثل آب خوردن از آب سالم استفاده کند تا رودخانه‌ها خشک نگردد... تا شدت گرما زندگی را سخت نکند... تا همچنان بتوان با شادی بر این کره خاکی زیست.

و باران می‌بارد تا همچنان امید به این که خدا ما را دوست می‌دارد استمرار داشته باشد. هر قطره باران نشانه آن است که خداوند برای انسان پیام دوستی می‌فرستد.

... و باران نمی‌بارد زیرا کشاورزان سرشار از شادی فراموش می‌کنند که زکاة بدهند و باران نمی‌بارد زیرا باغ داران شاید که سیدهایی از این میوه‌ها را به فقیران اهدا نکرده باشند... زیرا هر کس با آسودگی خیال به هدر دادن آب مشغول شده است. و زیرا انسان‌ها شادی هایشان را از راه‌هایی که خدا دوست نمی‌دارد، به دست آورده‌اند.

و باران نمی‌بارد زیرا گناه‌ها صفحه آسمان را تیره و تار کرده است. و همچون ابرهائی تیره اجازه استجابت دعا را نمی‌دهند. مگر نه این که باید برای بارش باران راه آسمان باز باشد.

و باران نمی‌بارد زیرا آن‌ها که بر مسند قدرت تکیه کرده‌اند یادشان رفته است، برای خدمت انتخاب شده‌اند. فراموش کرده‌اند که در همین حوالی کسانی هستند که آب تصفیه شده برای آشامیدن ندارند یا کودکانی هستند که در روزهای بارانی، بدون چکمه و لباس گرم در خیابان‌ها و نه مدرسه‌ها آدامس، شکلات و شاید چیزهای دیگری می‌فروشند.

ای کاش! به خاطر مهربانی‌های بی دریغ خداوند هوشیار شویم و بدانیم باران‌های رحمت خداوند زمانی بر ما می‌بارد که با دیگران مهربان باشیم و بدانیم دیگران نیز در اموال ما سهم دارند و...

- حرف ما/سردبیر/۲
توصیه‌های یک پدر/مریم گلوردی/۳
دیروز، امروز، فردا/قاسمی زادیان/۴
خبر/محبوبه ابراهیمی/۶
خوب است بدانیم که.../علی مسعودی/۸
کدام گزینه صحیح است؟/۹
جوانی که به آرزویش رسید/مجید ملامحمدی/۱۰
آن مرد/ابراهیم قبله/ارباطان/۱۱
به قول معروف/ابوالفضل علیدوست ابرقویی/۱۲
آوای قرآن و آرامش دل‌ها/مرتضی شیرودی/۱۳
مدینه منوره/حامد حجتی/۱۵
به بهانه جوانی/۱۶
حرفی از آن هزاران/ابوالفضل علیدوست ابرقویی/۱۸
چه کنیم تا عمر طولانی داشته باشیم؟/محمد رضا مطهری/۱۹
به افسانه ماند شکوه شما/حسن طاهری/۲۰
یادداشت‌های تو/۲۲
شعر/۲۴
ملکوت کلمات/محمد سعید میرزایی/۲۶
مشاوره/فولادی/۲۷
زنانی که می‌خواهند مرد شوند/محمد فولادی/۲۸
فریب مدنیّت را نخورید/حسن ابراهیم زاده/۳۰
وقتی عینک‌ها دودی می‌بینند/زهره شریعتی/۳۲
انتخاب هفتم/فولادی/۳۴
جلوی سرمایه داران را بگیرید، ترور می‌خشکد/حسن طاهری/۳۵
پنجره‌ای به ملکوت/علیدوست ابرقویی/۳۶
مورفولوژی کاندیداتورها/نوری/۳۸
زندگی باید کرد/محمد سعید نجاتی/۳۹
کار یا عار؟!/مهدی محدثی/۴۰
بالای نخل/۴۱
خانه دوست کجاست؟/خداامراد سلیمان/۴۲
واژه شناسی/۴۴
جدول/حسین کریمشاهی بیدگلی/۴۵
مسابقه با جایزه/۴۶

www.hawzah.net/per/magazine/di

www.magiran.com/didar

www.didar.misaagh.com

صاحب امتیاز: علی مصباح
مدیر مسؤول: احمد عجمین
سردبیر: حامد حجتی
مدیر اجرایی: ابراهیم چراغی
طراح و گرافیک: محمد امین محمدلو
دبیر سرویس سیاسی: حسن ابراهیم‌زاده
دبیر سرویس اجتماعی: ابوالفضل علیدوست ابرقویی
دبیر سرویس ادبی: علی باباجانی
دبیر سرویس فرهنگی: مهدی توکلیمان
دبیر سرویس معارف: محمد فولادی
دیگر همکاران: مرتضی چراغی، علی مسعودی
محمد رستمی، سید رضا قریشیان، مهدی باقری
لیتوگرافی و چاپ: محمد

در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.
آثار مندرج در نشریه بیانگر نظرات نویسندگان آنها می‌باشد.
لطفا مطالب ارسالی را روی یک طرف کاغذ به همراه نشانی کامل و تلفن تماس بنویسید.
مقالات به هیچ عنوان بازگردانده نخواهد شد.